

با درود و کرم در رفیقان. مقدمه تا بگویم که رفتار نادرت و جنابانی عده ای از رفقای رهبری در پلنوم اخیر موجب گردید که بسیاری از مسائل و مشکلات جدی تحت الشعاع قرار گرفته و عمداً یا سهواً به گونه ای اجمال سپرده شوند. از جمله این مسائل، تنظیم برنامه ای جهت بررسی تاریخ و مقام و موقعیت حزب و عاجل تر از آن چگونگی روابط رهبری با حزب و سازگاری باشد. تا آنجا که در چنین جوی و بوی بوی شرکت صنفی و جلوگیری از خروج او در جلسه ای که سانه وحدت جنبش کومینتی مورد بررسی قرار گرفت و در نتیجه جلسه ها نتواند که خواسته شده در محفل قرار گرفت و بعد هم آن داستان و مثنوی است بر «! که بیشتر شبیه چشم بندی بود، هر دو در دست است هم باره و قطعنامه ای را در مورد وحدت جنبش کومینتی به تصویب رساند که نه تنها بخاطر روح حاکم بر پلنوم بود، بلکه آنچنین تقابلی با روحیه حاکم بر بدنه تشکیلات سازگاری - که از هم اکنون یک کارگیری به عمل آید حدود ۹۰ درصد مخالف هر نوع تریبی و اشتراک عمل با حزب میباشند - دارد که انتشار آن برای جدی را بدنبال خواهد داشت.

بر حال، هنوز پلنوم سازگاری حزب داشت که خاوری طی سخنرانی اش در کنگره یازدهم حزب سوسیالیست مقدمه ای کرد، بار دیگر «سردوشی» سازگاری را کند و آنرا تا حد یک نیروی «دموکرات» تزلزل داد (جالب توجه رابطه ما میباشند که حزب هر وقت معاصم اثر ایجاد کند تجسب میکند و «سازگاری» بخاطر این میخواند و هر وقت بی این کردیم حزب را بر میدارد و تنبیه میکند) و هنوز ما نیامده بودیم که صنفی به ترویج کیمیت خواندن ما در پلنوم بنده نکرده و در اینها هم جلای گذشته است و سیر تا پلنوم را آنگونه که در سخن میخواست ترخیص و تقیه کرد، از گریه رفیق فرخ گرفته تا دوستی که فدرال و مخالف حزب و البته از ترنای سوزناکم بر مشردن که اسامی رفقا فرخ و سعید و رفیق دانشگری را در دست اول و مجید در دست دوم قرار کردن و اینکه داشت اشتباها پیشه که من جلوش را گرفتم و بی روزی آنجا ماندم و دست اول را تقویت کردم و سال ۵۱ به ۱ و ۹ به ۱۶ و بسیاری از مسائل ریز و درشت دیگر - که تازه میفهمم آنهمه یادداشت برداشتمش بر چه منظوری بود - که این مسائل تا حوزه های پایه ابلاغ شده (احاسر مسئولیت رفقا در رابطه با سانه اعلام پلنوم و مشکلات استیجی ما قابل تقدیر است) که از آنجا به رفقای ما و بعد هم مرجع اعتراض بخش رفقای ما که چرا همه خوبی ها با به رسمت از پلنوم ما اطلاع داشته باشند و مانده؟! البته سخن صنفی قبلاً هم در باره پلنوم مهر ۱۳۶۱ ما و همچنین رهبری سازگاری و نقش خود در این رابطه راست و دروغ فکری میبافت و پیشش میبرد که من همه را دقیقاً به رفیق سعید گزارش کردم و بسبب کم ظرفیتی آن شخص میگذرستم، ولی اکنون اعتقاد دارم که او اصلاً صلاحیت دعوت شدن به پلنوم ما را نداشته و اساساً آدم سالمی نیست. از دیگر موارد استقبال سازگاری! حزب از پلنوم ما و تبلیغات که حول آن انجام دادند خود رفقا اطلاع دارند. در هر حال، اکنون صحبت از تشکیل کنگراس حزب است و سانه جدی نوع برخورد ما با آن.

لر رفقای خوبی که از کنگراس بر گشته صحبت از گریه رفیق فرخ در پلنوم (این گریه هم گویا جزو زخمت

ملی باشد و با شاید فرهنگ سیاسی ملی ما (۱) و سخنانی سردانیز او در باره وحدت هر چه سریعتر حزب و سازگاری و تقویب عمومی در این زمینه در کنگراس میگذرد. این اخبار بخودی خود بزرگ ماست ایرانی آورد است. پنجم اخیر حزب در زرع خود مانند بسیاری از پلنومها قبلی اش در تاریخ احزاب دنیا بی نظیر بود. ساده ترین و مفرح، اخراج ۱ تن از اعضا، و مشاورین کینه مرکزی به دون دعوت آنرا به جلب آرای که بریده ها و ترابین هم بدو دعوت شده بودند) که این امر در تاریخ پلنومها خود حزب هر بی نظیر بود (و در نتیجه باید اکثرایی نظیر در بی نظیرها خوانند!) خود بخود نشان دهند ما هیئت این پلنوم یا کنگراس یا دادگاه باغ یا مراسم دیگری که بگذارد به است. میدانم که این نوع اعمال را ضد کمونیستها «استالینیسیم» مینامند ولی نمیدانم کمونیستها که آنرا چه می نامند، در هر حال این نشان دهنده فرهنگ حاکم بر تشکیلاتی است که که ما میخواهیم با آن وحدت کنیم (و قضا هم تفهیم خواهد داد که فردا در مورد ما بکار نخواهد گرفت!) و چنانچه صراحتاً بگویم که ما باید این عمل از طرف رهبری سازگاری با هر ترجیحی، بنا به تأیید این فرهنگ و عدم اعتماد به مورد بودن آن در حرکت تشکیلاتی است.

حقاً! من جداً هشدار میدهم که تشکیلات سازگاری در واقعیتی قرار دارد که چگونگی برخورد و رابطه ما با حزب ممکن است اکثر در معرض بران، از شک و دقت تلاشی قرار دهد. هر نوع پیام تبریک و تهنیت بزرگ پلنوم اخیر حزب، هر نوع اشتهار عمل و تزدیکی با حزب در شرایط کنونی و تا زمانی که یک بررسی جدی و دمکراتیک و با اجماع وسیع به بدنه تشکیلات در مورد تاریخ و مقام و موقعیت حزب انجام نرفته است، نتایج جز آنچه که در بالا شمرده شد نخواهد داشت و در صورت آن توجه هیات سیاسی کنونی سازگاری آنچه که بمن مربوط میشود، چنانچه صراحتاً اعلام میکنم تا زمانی که بررسی یاد شده و انجام نرفته است، نه خود را محقق میدانم و نه اهلاً توکل دفاع از موضوع بررسی هیات سیاسی در باره چنین مسائلی را خواهم داشت، ضمن اینکه دسردی ناشی از چنین برخوردها پیش بینی وضع استخباری که در تشکیلات بوجود خواهد آمد، انرژی و توانی هر بزرگ برخورد فعال با حق خواهد گذشت.

با احترام

۳۵

۲۴ ژانویه ۶۵